

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۵۹ - ۱۴ - ۲۰۲۳



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم اجتماعی

پایان نامه‌ی دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی

مطالعه نظری و تجربی عوامل فرهنگی ایجاد عدالت جنسیتی

در بین زنان متأهل شهر تهران

استادان راهنما:

دکتر بهجت یزدخواستی

دکتر محمود کتابی

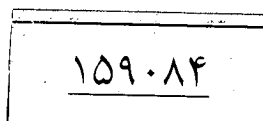
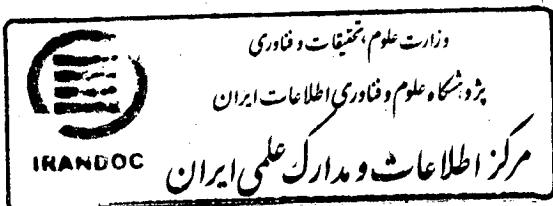
استاد مشاور:

دکتر اعظم راود راد

پژوهشگر:

احمد بخارایی

اسفند ماه ۱۳۸۹



۱۳۹۰/۳/۱۸

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

شبهه نگارش پایان نامه  
رعایت شده است.  
تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان



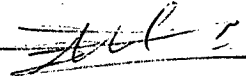
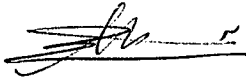
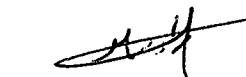

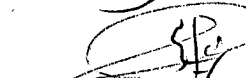
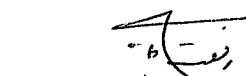
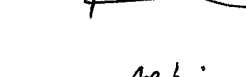
دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه علوم اجتماعی

پایان نامه‌ی دکتری تخصصی رشته علوم اجتماعی  
آقای احمد بخارایی

تحت عنوان

مطالعه نظری و تجربی عوامل فرهنگی ایجاد عدالت جنسیتی در بین زنان متأهل شهر تهران

در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۸ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره نیز در و درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- |   |  |                             |
|---|--|-----------------------------|
| امضا  | دکتر سرکار خانم بهجت یزدخواستی با مرتبه‌ی علمی دانشیار | ۱- استاد راهنمای پایان نامه |
| امضا  | دکتر محمود کتابی با مرتبه‌ی علمی استاد                 | ۲- استاد راهنمای پایان نامه |
| امضا  | دکتر سرکار خانم اعظم راود راد با مرتبه‌ی علمی دانشیار  | ۳- استاد مشاور پایان نامه   |
| امضا  | دکتر رسول رتانی با مرتبه‌ی علمی استاد                  | ۴- استاد داور داخل گروه     |
| امضا  | دکتر سرکار خانم ثریا معمار با مرتبه‌ی علمی استادیار    | ۵- استاد داور داخل گروه     |
| امضا  | دکتر مریم رفعت‌جاه با مرتبه‌ی علمی استادیار            | ۶- استاد داور خارج گروه     |
| امضا  | دکتر فاطمه جواهری با مرتبه‌ی علمی دانشیار              | ۷- استاد داور خارج از گروه  |

امضای مدیر گروه علوم اجتماعی

۱۳۸۹/۱۲/۱۸

از راهنمایی و توجه اساتید راهنما سرکار خانم دکتر بهجت یزدخواستی و  
آقای دکتر محمود کتابی و مشاوره‌ی سرکار خانم دکتر اعظم راود زاد  
تشکر می‌شود. به ویژه به پاس جدیت و دلسوزی استاد عزیزم دکتر  
یزدخواستی که در مسیر تحصیل در دوره دکتری درس‌های فراوانی از  
ایشان آموختم سپاس ویژه تقدیم حضور می‌شود..

## چکیده

پژوهش حاضر با دو هدف اصلی صورت پذیرفت: الف- نیم‌نگاهی به تاریخچه شکل‌گیری نظریه‌های جنسیتی به منظور شناخت دلایل و علل اصلی بی‌عدالتی‌های جنسیتی و تحلیل آنها در بستر فرهنگی جوامع به خصوص در جامعه‌ی ایران، با توجه به واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی (ایرانی- اسلامی). ب- دست‌یابی به نتایج عینی و واقعی در موضوع بی‌عدالتی جنسیتی در شهر تهران که تقریباً توسعه‌یافته‌ترین بخش کشور است. رسیدن به مقصد نخستین و کنکاش موضوع با هدف ثانوی می‌تواند به ارائه تحلیلی جامع از موضوع عدالت جنسیتی به شکل فرهنگی و بومی‌اش در ایران کمک کند. بنابراین در فصل دوم به پی‌گیری موضوع بی‌عدالتی جنسیتی و در فصل‌های بعدی با متغیرهای مستقل: گرایش به ایدئولوژی مردسالاری، جامعه‌پذیری جنسیتی، میزان دین‌داری (از نوع سنتی) و متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، درآمد و ...) به تبیین تغییرات متغیر وابسته؛ نابرابری جنسیتی پرداخته شده‌است.

در این پژوهش، براساس نظریه‌های چافتز، بوردیو و هریسون، تأثیر متغیرهای مستقل مذکور بر متغیر وابسته نابرابری جنسیتی (نابرابری زن و همسرش در سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نمادین) در بین ۴۵۵ زن متأهل در ۷ منطقه شهر تهران شامل طبقات بالا، متوسط و پایین با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسش‌نامه در سال ۱۳۸۹ مورد سنجش قرار گرفت. نتایج پیمایش نشان می‌دهد که بین متغیرهای میزان دین‌داری، سطح تحصیلات زن و درآمد ماهانه خانواده با نابرابری جنسیتی رابطه قوی وجود دارد (اولی با جهت عکس و دو متغیر بعدی هم‌جهت) و دو متغیر مستقل دیگر شامل گرایش به ایدئولوژی مردسالاری و جامعه‌پذیری جنسیتی ضمن داشتن همبستگی با نابرابری جنسیتی، کم‌وبیش جنبه‌ی واسطه‌ای دارند. بنابراین با افزایش گرایش به ایدئولوژی مردسالاری، دین‌مداری و جامعه‌پذیری جنسیتی، نابرابری جنسیتی هم افزایش می‌یابد. بالعکس با افزایش سطح تحصیلات زن و درآمد خانواده، نابرابری جنسیتی کاهش می‌یابد.

**واژگان کلیدی:** عدالت جنسیتی، نابرابری جنسیتی، ایدئولوژی مردسالاری و جامعه‌پذیری جنسیتی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات پژوهش</b>
۱	۱-۱- مقدمه
۳	۲-۱- بیان مسئله
۵	۳-۱- اهمیت موضوع
۶	۴-۱- پرسش های پژوهش
۷	۵-۱- پیشینه
۷	الف- پیشینه عام
۱۳	ب- پیشینه خاص
۲۳	جمع بندی پیشینه

## فصل دوم: مبانی و چارچوب نظری

۲۶	۱-۲- بخش اول : مبانی نظری
۲۷	۱-۱-۲- موضوع اول: کلیات
۲۷	۱-۱-۱-۲- شناخت جامعه و فرهنگ
۲۷	۲-۱-۱-۲- مبانی معرفت شناختی جامعه
۲۷	۳-۱-۱-۲- جادو، مذهب و علم
۲۹	۴-۱-۱-۲- جامعه شناسی شناخت
۳۱	۵-۱-۱-۲- فهم فرهنگ و رفتار
۳۷	۶-۱-۱-۲- گزاره های مرتبط با نگرش جنسیتی
۴۰	۲-۱-۲- موضوع دوم : نشانه ها و نمادهای فرهنگی در تفکر عملی
۴۰	۱-۲-۱-۲- نشانه و نماد
۴۳	۲-۲-۱-۲- فرهنگ و تفکر عملی
۵۲	۳-۱-۲- موضوع سوم : هویت، ایدئولوژی و زبان جنسیتی
۵۲	۱-۳-۱-۲- هویت جنسیتی
۵۶	۲-۳-۱-۲- ایدئولوژی جنسیتی

۶۳	..... ۳-۳-۱-۲-۲ زبان جنسیتی
۷۰	..... ۴-۱-۲-۲ موضوع چهارم : جامعه پذیری جنسیتی
۷۰	..... ۱-۴-۱-۲-۲ غریزه و احساس جنسی
۷۴	..... ۲-۴-۱-۲-۲ زندگانی روزمره
۷۶	..... ۳-۴-۱-۲-۲ عوامل رسمی جامعه پذیری
۷۹	..... ۵-۱-۲-۲ موضوع پنجم : گرایش های جنسی و جنسیتی
۷۹	..... ۱-۵-۱-۲-۲ نگرش جنسیتی
۸۳	..... ۲-۵-۱-۲-۲ منشأ نابرابری های جنسیتی
۸۷	..... ۳-۵-۱-۲-۲ گرایش های جنسی
۹۴	..... ۴-۵-۱-۲-۲ داروینیسیم جنسیتی
۱۰۰	..... ۵-۵-۱-۲-۲ چکیده
۱۰۲	..... ۶-۱-۲-۲ موضوع ششم : نظریه های جنسیتی
۱۱۰	..... ۷-۱-۲-۲ موضوع هفتم : پسافمینیسیم
۱۱۵	..... ۸-۱-۲-۲ موضوع هشتم : جنسیت در فرهنگ ما
۱۱۵	..... ۱-۸-۱-۲-۲ جنسیت و فرهنگ ایرانی
۱۲۰	..... ۲-۸-۱-۲-۲ جنسیت و فرهنگ دینی
۱۲۶	..... ۹-۱-۲-۲ موضوع نهم : اسلام و فمینیسیم
۱۲۶	..... ۱-۹-۱-۲-۲ آراء قدامت مسلمانی در حقوق زنان
۱۳۲	..... ۲-۹-۱-۲-۲ رویکردهای سه گانه مسلمانان به حقوق زنان
۱۳۳	..... ۱-۲-۹-۱-۲-۲ سنت گرایان و حقوق زنان
۱۳۷	..... ۲-۲-۹-۱-۲-۲ فمینیسیم اسلامی (حداقلی، درون نظامی و مبتنی بر عدم تقابل زن و مرد)
۱۴۵	..... ۳-۲-۹-۱-۲-۲ فمینیسیت های مسلمان (حداکثری، بیرون نظامی و مبتنی بر عدم تفاضل زن و مرد)
۱۴۹	..... ۱۰-۱-۲-۲ موضوع دهم : رویکرد فرهنگ فمینیسیتی
۱۵۶	..... ۲-۲-۲-۲ بخش دوم : چارچوب نظری
۱۵۶	..... ۱-۲-۲-۲ نظریه قشربندی جنسیتی ژانت چافتز
۱۵۸	..... ۲-۲-۲-۲ نابرابری جنسیتی از دیدگاه پیر بوردیو
۱۶۲	..... ۳-۲-۲-۲ نظریه لارنس هریسون



۱۶۴	..... ۴-۲-۲- جامعه پذیری جنسیتی
۱۶۵	..... ۵-۲-۲- ایدئولوژی جنسیتی
۱۷۱	..... ۶-۲-۲- دین داری
۱۷۳	..... ۷-۲-۲- نابرابری جنسیتی
۱۷۷	..... ۸-۲-۲- الگوی چارچوب نظری و مدل نظری پژوهش
۱۷۹	..... ۹-۲-۲- فرضیه های پژوهش

## فصل سوم : روش شناسی

۱۸۰	..... ۱-۳- روش تحقیق
۱۸۰	..... ۲-۳- جامعه آماری
۱۸۱	..... ۳-۳- نمونه آماری
۱۸۱	..... ۴-۳- تکنیک جمع آوری اطلاعات
۱۸۱	..... ۵-۳- حجم نمونه
۱۸۱	..... ۶-۳- روش نمونه گیری
۱۸۲	..... ۷-۳- تعریف عملیاتی متغیر وابسته
۱۸۲	..... ۸-۳- تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل
۱۹۱	..... ۹-۳- اعتبار ابزار گردآوری داده ها
۱۹۱	..... ۱۰-۳- پایایی تحقیق
۱۹۲	..... ۱۱-۳- آزمون توزیع نرمال
۱۹۳	..... ۱۲-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها

## فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها

۱۹۴	..... مقدمه
۱۹۵	..... ۱-۴- آمار توصیفی
۱۹۵	..... ۱-۱-۴- منطقه محل سکونت
۱۹۵	..... ۲-۱-۴- سن پاسخ گوینان
۱۹۶	..... ۳-۱-۴- تحصیلات پاسخ گو

- ۱۹۷-۴-۱-۴-تحصیلات همسر پاسخ گویان ..... ۱۹۷
- ۱۹۸-۵-۱-۴-شغل پاسخ گویان ..... ۱۹۸
- ۱۹۸-۶-۱-۴-شغل همسر پاسخ گویان ..... ۱۹۸
- ۱۹۹-۷-۱-۴-درآمد ماهانه خانواده پاسخ گویان ..... ۱۹۹
- ۱۹۹-۸-۱-۴-جامعه پذیری جنسیتی (متغیر مستقل) ..... ۱۹۹
- ۲۰۰-۹-۱-۴-ایدئولوژی مرد سالاری (متغیر مستقل) ..... ۲۰۰
- ۲۰۱-۱۰-۱-۴-دین داری (متغیر مستقل) ..... ۲۰۱
- ۲۰۱-۱۱-۱-۴-سرمایه اقتصادی ..... ۲۰۱
- ۲۰۲-۱۲-۱-۴-سرمایه فرهنگی ..... ۲۰۲
- ۲۰۲-۱۳-۱-۴-سرمایه اجتماعی ..... ۲۰۲
- ۲۰۳-۱۴-۱-۴-سرمایه نمادین ..... ۲۰۳
- ۲۰۵-۱۵-۱-۴-نابرابری جنسیتی (متغیر وابسته) ..... ۲۰۵
- ۲۰۹-۲-۴-آمار استنباطی ..... ۲۰۹
- ۲۰۹-۱-۲-۴-ربرزنی رابطه پایبندی به ایدئولوژی مردسالارانه و نابرابری جنسیتی ..... ۲۰۹
- ۲۰۹-۲-۲-۴-بررسی رابطه شیوه جامعه پذیری جنسیتی و نابرابری جنسیتی ..... ۲۰۹
- ۲۱۰-۳-۲-۴-بررسی رابطه دین داری و نابرابری جنسیتی ..... ۲۱۰
- ۲۱۱-۴-۲-۴-بررسی روابط ابعاد متغیرهای مستقل با متغیر وابسته ..... ۲۱۱
- ۲۱۲-۵-۲-۴-بررسی رابطه متغیرهای مستقل با ابعاد متغیر وابسته ..... ۲۱۲
- ۲۱۴-۶-۲-۴-بررسی رابطه ابعاد متغیرهای مستقل با یکدیگر ..... ۲۱۴
- ۲۱۵-۷-۲-۴-بررسی رابطه منطقه محل سکونت و نابرابری جنسیتی ..... ۲۱۵
- ۲۱۶-۸-۲-۴-بررسی رابطه تحصیلات پاسخ گو و نابرابری جنسیتی ..... ۲۱۶
- ۲۱۷-۹-۲-۴-بررسی رابطه تحصیلات همسر و نابرابری جنسیتی ..... ۲۱۷
- ۲۱۷-۱۰-۲-۴-بررسی رابطه درآمد خانواده و نابرابری جنسیتی ..... ۲۱۷
- ۲۱۷-۱۱-۲-۴-بررسی رابطه سن پاسخگویان و نابرابری جنسیتی ..... ۲۱۷
- ۲۱۷-۱۲-۲-۴-بررسی رابطه متغیرهای مستقل با نابرابری جنسیتی به نفع زنان ..... ۲۱۷
- ۲۱۹-۱۳-۲-۴-تحلیل چند متغیره براساس متغیرهای مستقل سه گانه ..... ۲۱۹
- ۲۱۹-۱۴-۲-۴-تبیین نابرابری جنسیتی براساس کلیه متغیرها ..... ۲۱۹

۲۲۰ ..... ۴-۲-۱۵- تحلیل مسیر تبیین نابرابری جنسیتی

فصل پنجم : جمع بندی

۲۲۲ ..... ۵-۱- خلاصه پژوهش

۲۳۷ ..... ۵-۲- نتیجه گیری

۲۵۱ ..... ۵-۳- پیشنهادات

۲۵۵ ..... پیوست : پرسش نامه

۲۶۰ ..... منابع و مآخذ

## فهرست جدول‌ها

صفحه

عنوان

۱۸۲	جدول شماره (۱-۳). برآورد حجم نمونه به تفکیک مناطق هفت گانه شهر تهران
۱۸۳	جدول شماره (۲-۳). شاخص‌های سرمایه اقتصادی
۱۸۳	جدول شماره (۳-۳). شاخص‌های سرمایه اجتماعی
۱۸۴	جدول شماره (۴-۳). پرسش‌های سرمایه نمادین
۱۸۵	جدول شماره (۵-۳). مولفه‌های سرمایه فرهنگی
۱۸۵	جدول شماره (۶-۳). مقیاس‌سازی برای متغیر وابسته
۱۸۷	جدول شماره (۷-۳). ابعاد و مولفه‌های متغیر ایدئولوژی مردسالاری
۱۸۸	جدول شماره (۸-۳). ابعاد و مولفه‌های متغیر جامعه‌پذیری جنسیتی
۱۹۰	جدول شماره (۹-۳). ابعاد و مولفه‌های متغیر دین‌داری
۱۹۲	جدول شماره (۱۰-۳). ضرایب آلفای کرونباخ
۱۹۵	جدول شماره (۱-۴). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب منطقه
۱۹۵	جدول شماره (۲-۴). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب گروه‌های سنی
۱۹۶	جدول شماره (۳-۴). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب تحصیلات
۱۹۷	جدول شماره (۴-۴). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب تحصیلات همسر
۱۹۸	جدول شماره (۵-۴). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب شغل پاسخ‌گو
۱۹۸	جدول شماره (۶-۴). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب شغل همسر
۱۹۹	جدول شماره (۷-۴). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب درآمد ماهانه خانواده
۱۹۹	جدول شماره (۸-۴). توزیع فراوانی آماره‌های جامعه‌پذیری جنسیتی
۲۰۰	جدول شماره (۹-۴). توزیع فراوانی آماره‌های ایدئولوژی مردسالاری
۲۰۱	جدول شماره (۱۰-۴). توزیع فراوانی آماره‌های دین‌داری
۲۰۱	جدول شماره (۱۱-۴). توزیع فراوانی آماره‌های سرمایه اقتصادی
۲۰۲	جدول شماره (۱۲-۴). توزیع فراوانی آماره‌های سرمایه فرهنگی
۲۰۲	جدول شماره (۱۳-۴). توزیع فراوانی آماره‌های سرمایه اجتماعی
۲۰۳	جدول شماره (۱-۱۴-۴). توزیع فراوانی پرسش‌های سرمایه نمادین
۲۰۴	جدول شماره (۲-۱۴-۴). توزیع فراوانی آماره‌های سرمایه نمادین (قدرتی)
۲۰۵	جدول شماره (۱-۱۵-۴). میانگین‌های ابعاد نابرابری جنسیتی

- جدول شماره (۴-۱۵-۲). توزیع فراوانی آماره‌های نابرابری جنسیتی ..... ۲۰۶
- جدول شماره (۴-۱۵-۳). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب نمره نابرابری جنسیتی ..... ۲۰۸
- جدول شماره (۴-۱۶). رگرسیون ساده برای سنجش اثر ایدئولوژی مردسالاری بر میزان نابرابری جنسیتی .. ۲۰۹
- جدول شماره (۴-۱۷). رگرسیون ساده برای سنجش اثر شیوه جامعه پذیری جنسیتی بر میزان نابرابری جنسیتی ..... ۲۱۰
- جدول شماره (۴-۱۸). رگرسیون ساده برای سنجش اثر میزان دین داری بر میزان نابرابری جنسیتی ..... ۲۱۰
- جدول شماره (۴-۱۹). ضرایب همبستگی پیرسون بین ابعاد متغیرهای مستقل با متغیر وابسته ..... ۲۱۱
- جدول شماره (۴-۲۰). ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با ابعاد متغیر وابسته ..... ۲۱۲
- جدول شماره (۴-۲۱). ضرایب همبستگی پیرسون بین ابعاد متغیرهای مستقل با یکدیگر ..... ۲۱۴
- جدول شماره (۴-۲۲). آماره میانگین نابرابری جنسیتی بر حسب منطقه محل سکونت ..... ۲۱۵
- جدول شماره (۴-۲۳). آماره میانگین نابرابری جنسیتی بر حسب تحصیلات پاسخ‌گویان ..... ۲۱۶
- جدول شماره (۴-۲۴). ضرایب رگرسیون چند متغیره برای سه متغیر اولیه ..... ۲۱۹

## فصل اول

### کلیات

#### ۱-۱- مقدمه

در جوامع انسانی، فرهنگ‌ها و الگوهای رفتاری از جمله الگوهای جنسیتی در یک واقعیت تمام‌عیار<sup>۱</sup> جلوه‌گر می‌شوند. این واقعیت تمام‌عیار که در میان واقعیت‌های متعدد زندگی اجتماعی دارای جایگاه برتر و ویژه‌ای است عبارت از «زندگانی روزمره» است. این یک واقعیت اعلا است. زندگانی روزمره به سنگین‌ترین، فشارآورترین و شدیدترین نحو، خود را بر آگاهی، تحمیل می‌کند. از تأثیرپذیری از زندگانی روزانه گریزی نیست. آنچه در میان مردم تفاوت دارد نوع تأثیرپذیری است: ۱- قبل از فهم، ۲- در طی فهم. مورد اول، تسلیم است و مورد دوم، تعامل. واقعیت زندگانی روزمره در قالب الگوها، مستقل از ادراک ما تنظیم شده‌اند و خود را بر ادراک، تحمیل می‌کنند. در مواجهه با آن‌ها یا باید تسلیم بود یا در تعامل. واقعیت زندگانی روزمره در ظرف مکانی «اینجا» و ظرف زمانی «اکنون» با جسم و حضور ما تنظیم می‌شود. در این میان، بخشی از زندگانی روزمره که به «من» نزدیک‌تر است در «من» اثرگذارتر است (خانواده، شهر، دوست و ...). شاید بعدها بخش‌های دیگر هم سراغ «من» بیایند اگر من بخواهم یا آن‌ها خود را به «من» تحمیل کنند (تشکیل خانواده و پیروی از هنجارهای همسرگزینی).

---

1- Par excellence

واقعیت زندگانی روزمره به صورت دنیایی مشترک در ذهن یعنی دنیایی که ما با دیگران در آن شریکیم، در برابرمان خودنمایی می‌کند. این ذهنیت مشترک متقابل<sup>۱</sup>، زندگانی روزمره را از واقعیت‌های دیگری که ما نسبت به آن‌ها آگاهی داریم به شدت متمایز می‌سازد. (برگر، ۱۳۷۵: ۳۸)

جامعه دارای دو واقعیت عینی و ذهنی است. آنچه پتر برگر در خصوص واقعیت زندگانی روزمره متذکر شده است مربوط به واقعیت عینی جامعه است. این که این دسته از واقعیت‌ها چقدر و چگونه درونی شوند به واقعیت‌های ذهنی می‌انجامد. به نظر می‌رسد بخشی از زندگانی روزمره در آگاهی باقی می‌ماند. تجربه‌هایی که باقی می‌مانند ته‌نشین می‌شوند. این رسوب‌گذاری، زمانی «اجتماعی» قلمداد می‌شود که با نوعی «نظام علامتی»<sup>۲</sup> عینیت یابد. زبان و الگوهای رفتاری از جمله مخازنی برای حفظ انبوهه عظیمی از ته‌نشین‌های جمعی‌اند. معانی نهادی در جریان انتقال از نسلی به نسل دیگر، برای سهولت در حفظ و اجرا، به تدریج به شکل ساده در می‌آیند تا محتوای همان ته‌نشین‌ها را تشکیل دهند. معانی نهادی در حوزه رسوب‌ها، دارای ویژگی بسترسازی و عامیانه بودن است. با وجود رسوب‌ها و معانی نهادی، رفتارها هم نهادی و پیامد آن، نقش‌ها هم دارای تمایزات تپیک می‌شوند. نقش‌ها، نظم نهادی را نمایش می‌دهند. این نمایش در دو سطح صورت می‌گیرد.

نخست اجرای نقش نمایش‌گر مانند ایفای نقش به عنوان یک «قاضی» (نه برای دل خود). دوم اجرای نقش برای ایجاد ارتباط نهادی مانند نقش قاضی در رابطه با نقش‌های دیگر که مجموعاً نهاد قانون را تشکیل می‌دهند. در خصوص نقش‌های جنسیتی هم این رویکرد قابل توجه است. در چارچوب نظریه برگر، الگوهای جنسیتی را می‌توان از نوع ته‌نشین‌هایی قلمداد کرد که با نوعی نظام علامتی (پوشش و آرایش) عینیت یافته و در بستر الگوهای فرهنگی (ستی - اعتقادی) دارای معانی نهادی و برخوردار از ویژگی ساده و همگانی شده‌است. پیامد این رفتارهای نهادی، تقسیم نقش‌های جنسیتی بوده که نظم نهادی را نمایش داده است. زن و مرد در پذیرش و اجرای نقش‌های جنسیتی اولاً می‌خواستند اجراگر نقش باشند تا به عنوان یک «نمایش‌گر»، به رسمیت شناخته شوند. ثانیاً می‌خواستند با اجرای نقش به نقش‌های دیگر مرتبط شوند تا در یک مجموعه دارای تعریف باشند. همه‌ی این مفاهیم ذهنی و عینی در لباس جامعه‌پذیری، نمایان می‌شوند و محتوای آن، همان باورها و عقاید است.

به طور کلی جریان اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری به جافتادن ارزش‌ها و مهارت‌ها در فرد اشاره دارد تا اشخاصی که نقش‌های اجتماعی‌ای را اشغال می‌کنند معرفت کافی بیابند به این که چه چیزی از آن‌ها انتظار

1- Intersubjectivity

2- Sign system

می‌رود و چگونه باید عمل کنند. اگر جامعه‌پذیری در این شکل تحقق یابد بدیهی است که کنش‌هایی که در نقش خاصی انجام می‌گیرد ضمن آن که متأثر از ارزش‌های عاملان کنش است با رفتار اشخاص دیگر که رفتارشان تحت تأثیر ارزش‌ها در درون آن‌هاست نیز همساز است. این همسازی، تحمیلی نیست بلکه به محض این که مردم با الگوهای اساسی ارزش که به نحو منظمی با کالبد اجتماعی مرتبط هستند آشنا شوند آن‌ها را به کار گرفته و کنش خود را بر آن‌ها بنا می‌کنند.

ریشه‌ی بسیاری از نابرابری‌های جنسیتی در فرایند جامعه‌پذیری جنسیت قرار دارد که از بدو تولد آغاز می‌گردد. هر رفتاری اعم از طرز برخورد، لباس پوشیدن یا انتظارات از یک کودک یک ساله بسته به پسر یا دختر بودن تفاوت دارد. از کودکی، مهندس یا پلیس بودن و رفتن به سربازی را برای دختران عجیب و دور از واقعیت می‌پنداریم و انتخاب شغل پرستاری و مراقبت از کودکان را برای مردان مایه افت و خنده‌دار تلقی می‌کنیم. اینها همه نقش‌های قالبی شده‌است و روشن است که تمامی این عقاید در طی فرایند جامعه‌پذیری، از طریق کارگزاران جامعه، به خصوص خانواده به کودکان آموزش داده می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت: باورهای قالبی موجود در جامعه در خصوص ویژگی‌ها، شرایط، نقاط ضعف و نقاط قوت زن و مرد به همراه ایدئولوژی مردسالاری که در بردارنده‌ی مفهوم تفوق و استیلا‌ی مردان است سعی دارد زنان را به رفتارهای خدمتانی در قبال مردان، مقید نماید از طریق فرایند جامعه‌پذیری جنسیت، همواره در حال تولید و بازتولید است.

در پژوهش حاضر سعی می‌شود ضمن توجه به تاریخ جنسیت در فرهنگ‌های متنوع با بهره‌جویی از نظریات فمینیستی مرتبط با جامعه‌پذیری جنسیتی و ایدئولوژی مردسالاری به بررسی موضوع نابرابری جنسیتی پرداخته شود تا نهایتاً مشخص گردد مجموعه‌ی عوامل فرهنگی موجود در الگوها و باورهای فرهنگی چگونه به مقابله با تدارک شرایط لازم برای تحرک اجتماعی زنان بر می‌خیزند.

## ۱-۲- بیان مسئله

جوهره‌ی اصلی نظریه‌های جنسیتی، سلطه مردانه است. پی‌یر بوردیو<sup>۱</sup> معتقد است که سلطه‌گران اعم از گروه‌ها، قوم‌ها و جنس‌ها، ارزش‌های خود را به زیرسلطه‌ها تحمیل می‌کنند. مردها در یک ساختار سلطه‌ای دارای عناصر خشونت بدنی و خشونت نمادین مردانه همراه با ناآگاهی زنان و حمایت نهادها مانند خانواده، کلیسا، مدرسه و دولت از این ساختار به سلطه می‌پردازند. بوردیو از سوی دیگر می‌گوید خصلت زنان موجب می‌شود که آن‌ها

1- Pierre Bourdieu



بیشتر بار کار خانگی را به دوش بکشند و برخوردار از مشاغلی شوند که وقتی به زن‌ها سپرده می‌شوند از ارزش می‌افتند. (شویره، ۱۳۸۵: ۳۰)

به عقیده بوردیو تمام مفاهیم و گرایش‌های رفتاری در فضای اجتماعی و موضع<sup>۱</sup> قابل فهم است. جهان اجتماعی و انسان‌ها، شیء ثابت و ایستا نیستند. تجسم فضایی جامعه این امکان را به ما می‌دهد که جامعه را نه به عنوان ساز و کاری طبیعی بلکه به عنوان «عالم تمایلات» یا به قول کارل پوپر<sup>۲</sup> «گرایش‌ها» ببینیم. فضای اجتماعی به خودی خود واقعیت ندارد بلکه یک فضای توزیعی است. یعنی مجموعه وسیعی از مواضع سلسله مراتبی شده با توجه به چند بُعد: میدان‌ها، سرمایه‌هایی که ارزش محسوب می‌شوند و روابط و طرد متقابل. فضای اجتماعی نتیجه تجمع ساده رفتارهای فردی که افراد بر حسب طبیعت خود یا محاسبات عقلانی بروز می‌دهند نیست. این ویژگی فضای اجتماعی سنتی بود. فضای اجتماعی مدرن، مجموعه مواضع در بطن شبکه‌های متمایز از هم است.

به اعتقاد بوردیو وظیفه جامعه‌شناس، کشف معرفتی جامعه‌شناختی است تا بتوان افراد جامعه را به طرف قوانین اجتماعی (مثلاً قانون انتقال سرمایه فرهنگی) سوق داد. قوانینی که ابدی نیستند بلکه تاریخی‌اند و ضرورت‌های عمومی نهادی شده‌اند. علم اجتماعی باید بداند کاری ندارد جز این که منطقی را که «بازی معینی» را در «لحظه‌ای معین» مشخص می‌کند به صورت قانون‌های گرایشی ثبت کند. این بازی به نفع کسانی انجام می‌شود که آن را در دست دارند و توانسته‌اند قوانین بازی را در عمل و به صورت قانونی به نفع خود تعریف کنند. به این ترتیب کاوش جامعه‌شناختی و نتایج حاصل از آن همیشه به «الگوی» نظری‌ای نیاز پیدا می‌کند که از بطن آن بیرون آمده باشد و جامعه‌شناس با هدف شناساندن واقعیت اجتماعی، این الگو را پرداخته است. این الگو نباید با آنچه او تبیین می‌کند مخلوط شود («الگوی واقعیت» با «واقعیت الگو» تمایز دارد). (همان: ۱۳۵)

بنابر دقت‌های مذکور، در تحلیل نابرابری‌های جنسیتی به این موارد باید توجه شود:

- ۱- عناصر واقعی و نمادین خشونت مردان در فضای اجتماعی یک جامعه به طور خاص.
- ۲- عناصر واقعی و نمادین خشونت پذیری زنان در فضای اجتماعی یک جامعه به طور خاص.
- ۳- ترسیم سلسله مراتب ارزش‌ها در آن فضای اجتماعی.
- ۴- توجه به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی از نوع عمومی و لحاظ کردن آن‌ها در تحلیل.
- ۵- ارائه نسخه‌ای برای برون رفت از وضعیت کنونی در هر جامعه‌ای با هدف «یک گام به جلو».
- ۶- تبیین جامعه‌شناختی در سطح کلان صورت پذیرد و «الگوی واقعیت» ارائه شود.

1- Espace Social and Position

2- Popper, K.

۷- ارائه راه کار و «قانون بازی» در سطح خرد صورت پذیرد و «واقعیت الگو» نمایان شود.

به عنوان مثال، جامعه‌شناسان معتقدند اگر تقسیم کار در سطح کلان یک جامعه، به شکل «جنسیت یافته» باشد و کارها بر اساس جنس افراد تعریف و توزیع شوند مردان منابعی بیش از زنان کسب می‌کنند. اینان معتقدند که نظام تقسیم کار سنتی مبتنی بر اختصاص فعالیت‌های خانگی به زنان و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیرون از خانه به مردان در خدمت تثبیت قدرت و تسلط مردان بر زنان بوده است. یکی از عوامل تداوم تقسیم کار سنتی جنسیتی، وجود و بازتولید تعاریف جنسیتی تأیید کننده‌ی تقسیم کار و نظام نقش‌های جنسیتی است. وجود آن تعاریف در عمق باورها، حکایت از «الگوی واقعیت» دارد. حال آن‌که فعالیت خانگی زنان، بیان‌گر «واقعیت الگو» است.

تعاریف جنسیتی مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها، هنجارها و باورهای قالبی جنسیتی هستند که به مرور زمان از طریق فرآیندهای مستمر اجتماعی از جمله جامعه‌پذیری و ایفای نقش شکل می‌گیرند و آن چنان قوت می‌گیرند که کلیه‌ی پذیرندگان آن را امری طبیعی، دائمی و لازم قلمداد می‌کنند. برتری‌های مردانه در سطح کلان به روابط خرد هم سرایت می‌کند. پذیرش این باورها خصوصاً از سوی زنان، شرایط ذهنی-شناختی‌ای فراهم می‌آورد که وضعیت فرودستی زنان را در روابط اجتماعی مقبولیت می‌بخشد. به این ترتیب مردان از این قدرت خود در روابط خانوادگی با همسران‌شان استفاده می‌کنند.

بررسی‌های مختلف در جوامع صنعتی به تفاوت‌های جامعه‌پذیری دخترها و پسرها در ریزه کاری‌های تربیتی و انتقال نگرش‌های خاص به دختر و پسر تأکید دارد. اما در جامعه‌ی ما مسئله خیلی فراتر از آن است. هنوز در مدارس، الگوهای بسیار سنتی زنانه - مردانه به کودکان ارائه می‌شود. زن‌ها در کتاب‌های درسی به صورت عمده نقش مادر و به ندرت نقش معلم دارند. محدوده‌ی زندگی دختر بچه‌ها، کتاب‌های درسی، خانه، حیاط خانه و مدرسه است. در حالی که پسرها به طور فعال در خارج از خانه مشغول به کار، فعالیت و ورزش هستند. مدارس ما تشدید کننده‌ی نابرابری‌های جنسیتی و زمینه‌ساز عدم توزیع فرصت‌های همگون تحرک اجتماعی میان مردان و زنان، ناشی از خانواده هستند. مسئله این است که چه عوامل ذهنی و عینی‌ای در تقویت بی‌عدالتی جنسیتی نقش داشته است. منظور از عوامل ذهنی؛ باورها، اعتقادات و ایدئولوژی مردسالارانه و منظور از عوامل عینی؛ روند جامعه‌پذیری است.

### ۱-۳- اهمیت موضوع

نابرابری‌های اجتماعی از موضوع‌های مهم در هر جامعه‌ای به ویژه جامعه ایران است که دارای حکومت اسلامی و مدعی دفاع از حقوق انسان‌ها می‌باشد. بدیهی است افرادی که در پایگاه اجتماعی پایین‌تری قرار دارند

از برخی فرصت‌ها و مزایای اجتماعی محروم‌اند. در خصوص نابرابری بین زنان و مردان در کشورهای دیگر، قوانینی وضع شده‌است تا نابرابری جنسیتی کاهش یابد. در ایران هم طی سده‌ی اخیر تلاش‌هایی در این مورد صورت گرفته‌است. در شرایط کنونی ایران، ریشه‌یابی نابرابری جنسیتی از این جهت حائز اهمیت است که به نظر می‌رسد این پدیده ریشه در باورهای فرهنگی (اعم از اعتقادی) دارد و این باورهای ارزشی و اعتقادی هم به نحو ویژه‌ای در سطح کلان و در نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بازتولید گردیده‌است. بنابراین از سطح خرد (خانواده) تا سطح کلان (نظام‌ها) به نحوی با این معضل، مرتبط‌اند. برای برطرف شدن مسائل اجتماعی، شناخت عوامل اصلی از آن جهت مهم است که به تدوین برنامه می‌انجامد. ایران هم نیازمند برنامه است.

جریان نوسازی در ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نه تنها بر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، بلکه بر حوزه فرهنگی از جمله مناسبات جنسیتی هم اثرگذار بود. از آن سال‌ها، دولت، سیاست تغییر شکل فرهنگی جامعه ایران را دنبال کرد. طی آن سال‌ها علاوه بر تقویت ابعاد مشارکت زنان در حوزه‌های گوناگون، نمادهای زنان مانند نوع پوشش، آرایش چهره و مو، پخت و پز و نیز هنجارهای جنسیتی بازتولید شده و نظام شخصیتی زنان شامل ابعاد مهم هویت فردی و اجتماعی به طور هدفمند با جریان مدرنیسم هماهنگ گردید. همراه با این جریان‌ات فرهنگی و اجتماعی، جنبش‌های زنان در ایران شکل گرفت و اینک بومی کردن مطالعات مربوط به جنبش زنان در ایران، در کنار تحلیل نظری این جنبش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا در سال‌های اخیر، مراکز فرهنگی و اجتماعی زنان در ایران به مناسبات جنسیتی، رویکردی انتقادی داشته‌اند.

اینک هم گام با پدیده جهانی شدن، طراحی شکل «ممکن» رفع نابرابری جنسیتی در ایران که با ارزش‌های فرهنگی، کم‌وبیش می‌توان تطبیق داد نیازمند مطالعات جامعه‌شناختی است.

#### ۴-۱- پرسش‌های پژوهش

##### الف- پرسش‌های بخش اول

- ۱- ریشه‌های نظری و تاریخی نابرابری جنسیتی به طور عام چیست؟
- ۲- نمونه‌های تاریخی نابرابری جنسیتی در فرهنگ ایرانی-اسلامی چیست؟
- ۳- سیر تاریخی و مشخصه‌ی نظریه‌های مدافع حقوق زنان تا سال‌های اخیر چگونه است؟

##### ب- پرسش‌های بخش دوم

- ۱- در بخش توسعه‌یافته‌تر جامعه ایران (تهران)، زنان در چه سطحی از نابرابری جنسیتی قرار دارند؟
- ۲- آیا گرایش به ایدئولوژی مردسالارانه در تشدید نابرابری جنسیتی در ایران مؤثر است؟
- ۳- آیا بین دین‌داری و نابرابری جنسیتی در ایران رابطه‌ای وجود دارد؟

۴- آیا عوامل جامعه‌پذیری در روند نابرابری جنسیتی تأثیر گذارند؟

۵- آیا ویژگی‌های پایگاهی زنان (درآمد، تحصیلات و ...) با نابرابری جنسیتی مرتبط است؟

### ۱-۵- پیشینه

در خصوص نابرابری جنسیتی و بی‌عدالتی بین زنان و مردان در ایران، تحقیق‌های گسترده‌ای صورت پذیرفته که کم و بیش برخوردار از چارچوب‌های علمی است. در قسمت اول پیشینه به طور عام به کتاب‌ها و در قسمت دوم به مقالات و پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

### الف- پیشینه‌ی عام

#### ۱- عنوان: «برابری جنسیتی در تاریخ ایران - از پیش از اسلام تا کنون»

این کتاب در سال ۲۰۰۶ در دانشگاه مک‌گیل کانادا به عنوان تز دکترای توسط مینو درایه نوشته شد. خانم درایه که استادیار دانشگاه یورک است با استفاده از روش کیفی و تحلیل متن انتقادی و بهره‌گیری از فنون اتوبیوگرافی (شرح حال خود نوشته) و مصاحبه به تحقیق پرداخته است. وی در فصل اول کتاب به هویت اجتماعی زنان پیش از اسلام در ایران و مقایسه آن با موقعیت زنان در کشورهای عربی می‌پردازد. در فصل دوم به بهبود شرایط زنان، پس از ورود اسلام به ایران توجه می‌کند که ناشی از نیاز یک مذهب نوپا برای جلب نظر مخاطبین است. فصل سوم به سده‌های اخیر و تحولات در حوزه زنان در ایران اختصاص دارد و تعارض سنت و مدرنیته در ایام مشروطه خواهی مورد بحث است. در این فصل از مصاحبه با خانم‌های مسن بهره گرفته است. نویسنده در فصول باقی مانده به زن‌های ایرانی، گذشته و حال، قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد. (Derayeh, 2006)

#### ۲- عنوان: «بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران»

این کتاب در سال ۱۳۸۱ توسط مسعود چلبی، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی نوشته شد و در بخشی از آن به تمایز نظام شخصیتی زنان و مردان توجه شده است. بر اساس این تحقیق که نظریه پارسونز به عنوان محور کار است در میان زنان و مردان ایرانی حدود ۶۵ درصدشان در ۱۵ نوع شخصیت دارای اشتراکات شخصیت‌اند که از این مقدار، ۲۵/۵ درصد دارای شخصیت معمولی و ۱/۵ درصد دارای شخصیت پیشرفته همگون هستند.

چهار نوع شخصیت وجود دارد که فقط در نمونه مردان و منحصر به این جنس است و هفت نوع شخصیت، فقط متعلق به زنان است. اولی، شامل ۹/۶ درصد مردان و دومی، شامل ۱۱/۹ درصد زنان است. به بیان آماری از ۱۰۰ درصد تغییرات در الگوهای امتیاز شخصیتی، حداقل ۶۵ درصد آن، درون گروهی است و نه بین گروهی (نه

